

صبح روز دهم

بازخوانی خاطرات مهوش خدام کاشانی

همسر شهید مسعود میرزایی

- سرشناسه : احمدی خاوه، احسان، ۱۳۵۸ -
- عنوان و نام پدیدآور : صبح روز دهم : بازخوانی خاطرات مهوش خدام کهنگی ، همسر شهید مسعود میرزایی / احسان احمدی خاوه.
- مشخصات نشر : ورامین: وارنا، ۱۳۹۹.
- مشخصات فیزیکی : ۸۱ ص.
- شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۰۰۲-۷-۷ : ۵۰۰۰۰ ریال
- وضعیت فهرست نویسی : فیا
- عنوان دیگر : بازخوانی خاطرات مهوش خدام کهنگی ، همسر شهید مسعود میرزایی
- موضوع : 'میرزا'، مسعود، ۱۳۳۴-۱۳۵۷.
- موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷-۱۳۵۹ -- شهیدان
- موضوع : Wa. 'raq-Iran، ۱۹۸۰-۱۹۸۸ -- Martyrs
- موضوع : شهیدان -- ایران -- بازندگان -- خاطرات
- موضوع : Diaries -- Survivors -- Iran -- Martyrs
- رده بندی کنگره : ۱۶۲۶DSR
- رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲
- شماره کتابشناسی ملی : ۶۱۶۲۹۱۶



صبح روز دهم

به خوانی خاطرات مهوش خدام کهنگی؛
میر شهید مسعود میرزایی

نویسنده: بهمان احمدی خاوه

| شایسته وارنا |

| طراحی جلد و صفحه آرایی: گرافیک وارنا |

| نوبت انتشار: اول بهار ۹۹ | شمارگان: ۳۰۰ نسخه |

| چاپ و صحافی: مبین | شابک: ۹۷۸-۶۰۲-۷۰۰۲-۹۷۸ | قیمت: ۸۰۰۰ تومان |

تلفن: ۰۲۱-۳۶۲۶۱۴۲۸ - ۰۲۱-۸۴۸۷۷۱

www.varnapub.blogfa.com

varnapress2017@gmail.com

فهرست مطالب

- درآمد: ۹
- نگاهی به زندگی شهین و سعید میرزایی: ۱۲
- تشیع بی سر و صدا ۱۵
- تو با مسعود، زندگی می کنی ۱۷
- ناگهان چقدر زود، دیر می شود ۱۸
- من برای شاه خائن، پانمی گویم ۱۹
- عشق پاک ۲۰
- ماه غسل ۲۱
- سیلی ۲۳
- وصال ۲۵
- روز واقعه ۲۶
- سوخت آمبولانس ۲۹

- ۳۲ حکومت نظامی
- ۳۴ تا جلوی اتاق عمل هم زنده بود
- ۳۵ فقط توانستم صورتش را لمس کنم
- ۳۷ آن گلهای سفید کوچولو
- ۳۸ روزی که امام آمد
- ۳۹ در آن روز
- ۴۱ آن شب، آب حیاتم دادند
- ۴۳ باز گشت با زنده
- ۴۴ مستحق بودم و ایمن به رگاتم دادند
- ۴۵ به خاطر اینها آمد
- ۴۷ برای مصطفای خودم گریه کردم
- ۴۹ من باید یک چیزی به شما بدهم
- ۵۳ حضور خلوت انس
- ۵۴ هر چه از دوست رسد نیکوست
- ۵۵ امام، هر قولی که به من دادند عملی شد
- ۵۶ تصویری از آینده
- ۵۷ چرا ما همیشه فکر خودمان هستیم؟
- ۵۹ تصاویر

در مد:

پیشتر، وقتی می شنیدم که کسی بعد از سالهای سال هنوز
بر عهد و میثاقی که در عشق بسته ایدار است و گذشت
ایام، از رنگ و حرارت این عشق و محبت، کم ننموده،
اندکی برایم دشوار می نمود. اما امروز وقتی با خانم
خدام، آشنا شدم و پای صحبت های او ایستادم، این امید
در قلبم قوت گرفت که عشق پاک، نه در گذر ایام،
کمرنگ می شود و نه با سختی ها و مصائب روزگار به
فراموشی سپرده می شود. فهمیدم که عشق، گوهری
است آسمانی که اگرچه در قالب زمینی ظهور نماید، اما

خلوص و پاکی در عشق، عاقبت دل را به مبدا اصلی عشق و به معشوق کل، پیوند خواهد زد.

شهیدان ما اگرچه مردانی بودند از جنس نور و شاهراهی که آنها برای ما نشانه گذاری کردند، ما را مستقیم به سرزمین نور و محبت رهنمون می گردد، اما آنها انسان بودند، تمام علایق و سلايق يك انسان؛ با تمام عشق‌ها و دوست‌اشن‌هایی که دل آدمی را رقیق می کند و انسان را هر چه بیشتر با «او» نزدیک می کند.

عشق زمینی در این هوس، نه تنها سدی در برابر عشق آسمانی نیست، و نه تنها جنسی غیر از جنس عشق آسمانی ندارد که بالعکس، اگر باطنی و صفای عشق زمینی به لوث هوس، آلوده نگردد و دامن پاک عشق، از تیرگی لذت‌جویی مبرا نگه داشته شود، عشق زمینی، عین عشق آسمانی خواهد بود.

سرگذشت شنیدنی خانم مهوش خدام کهنگی، همسر شهید مسعود میرزایی از این جمله است. شهید مسعود میرزایی، از اولین شهدای ورامین است که در پیش از پیروزی انقلاب، در دهم دیماه ۵۷ بدست عمال رژیم

پهلوی، شهد نوшін شهادت را نوشید. اما با گذشت
سالها از آن روزگار، خانم خدام، هنوز هم عاشق مسعود
است.